

# توسل در سیره عملی بزرگان و اندیشمندان

## توسل در سیره عملی بزرگان و اندیشمندان

وهابیان توسل به اولیای الهی یا به تعبیری، وسیله قرار دادن آنان نزد خداوند متعال است را جایز نمی دانند، اما عموم مسلمانان نه تنها آن را جایز می شمارند، بلکه در طول تاریخ به آن عمل کرده اند. با مراجعه به احادیث و کتب تاریخی پی می بریم که صحابه بعد از وفات پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به آن حضرت توسل جسته اند که در ادامه به نمونه هایی اشاره می شود.

### پیشگفتار

یکی از موارد اختلاف بین وهابیان و سایر مسلمانان، توسل به اولیای الهی یا به تعبیری، وسیله قرار دادن آنان نزد خداوند متعال است. وهابیان آن را جایز نمی دانند، اما عموم مسلمانان نه تنها آن را جایز می شمارند، بلکه در طول تاریخ به آن عمل کرده اند. توسل انواع و اقسامی دارد که نزد عموم مسلمانان برخی از آنها صحیح و بعضی باطل و دسته ای دیگر مورد اختلاف است؛ به همین دلیل هر کدام را به صورت جداگانه بررسی می نمایم.

### توسل صحابه، تابعین و امامان اهل سنت به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

با مراجعه به احادیث و کتب تاریخی پی می بریم که صحابه بعد از وفات پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به آن حضرت توسل جسته اند. اینک به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

#### 1. توسل امام علی(علیه السلام) و عباس کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

محمد بن عمر واقدی می گوید:

...جاء عبدالله بن قرط من الیرموک بکتاب ابي عبیدة إلى عمر بن الخطاب، فلما أراد الرجوع حضر روضة رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) لیسلم علیه، و لقی علی بن ابي طالب(علیه السلام) و العباس و طلب منهما الدعاء، فرفعا أیدیهما و قالا: اللّٰهُمَّ اِنَّا نتوسّل بهذا النبی المصطفی و الرسول المجتبی الذی توسل به آدم فاجبت دعوته و غفرت خطیئته إلاّ سهلت علی عبدالله طریقه و طویت له البعید و ایدت اصحاب نبیک بالنصر، انک سمیع الدعاء.[1]

...عبدالله بن قرط از یرموک با نامه ابوعبیده نزد عمر بن خطاب آمد، و چون خواست بازگردد نزد روضه رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) آمد تا بر او سلام دهد که علی بن ابي طالب(علیه السلام) و عباس را ملاقات کرد و از آن دو درخواست دعا نمود. آنان دست ها را به دعا برداشته و عرضه داشتند: بارالها! ما متوسل می شویم به پیامبر مصطفی و رسول برگزیده که آدم به او توسل جست، و خواسته او را اجابت کرده و خطایش را پوشاندى، که بر عبدالله راهش را آسان کرده و دور را بر او نزدیک سازی و یاران پیامبرت را نصرت دهی؛ زیرا که تو شنونده دعایی.

#### 2. عایشه و توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

دارمی از ابوالجوزاء اوس بن عبدالله نقل کرده که گفت:

قحط أهل المدینة قحطاً شدیداً، فشکوا إلى عایشة فقالت: انظروا قبر النبی(صلی الله علیه و آله و سلم) فاجعلوا منه کوی إلى السماء حتی لا یکون بینة و بین السماء سقف. قال: ففعلوا،

فمطرنا مطراً حتى نبت العشب و سمت الإبل. [2]  
 وقتی اهل مدینه را قحطی شدیدی فرا گرفت، آنان از این امر به عایشه شکایت بردند، او گفت: نظر به قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) کرده و از آن سوراخی را به طرف آسمان باز نمایند به طوری که بین قبر و آسمان سقفی نباشد. او گفت: آنان این چنین کردند. لذا باران زیادی بر ما نازل شد به حدی که علف ها روئیده و شترها چاق شدند.  
 شیخ محدث، محمود سعید ممدوح بعد از نقل این حدیث آن را تصحیح کرده است. [3]  
 سید علی بن محمد بن یحیی بعد از تحسین این حدیث و ردّ بر کسانی که این حدیث را تضعیف کرده اند می گوید:

و یکفینا من هذه القصة أنّها دلیل علی أنّ عائشة ام المؤمنین تعلم أنّ رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) لازال بعد وفاته رحیمّاً و شافعاً لأمته، و أنّ من زاره و استشفع به شفّع له، كما فعلت امّ المؤمنین، و لیس هو من قبیل الشکر أو من وسائل الشکر، كما یلغظ به هؤلاء المكفرون و المظلمون، فانّ عائشة و من شهدها لم یكونوا ممّن یجهلون الشکر ولا ما یمت إليه. فالقصة تدمغ هؤلاء و تثبت أنّ النبی(صلی الله علیه و آله و سلم) یهتم بأمته فی قبره ولم یکن توفی و انتهى. [4]

کافی است ما را این قصه که دلیل باشد بر اینکه عایشه ام المؤمنین می داند به طور حتم رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) دائماً بعد از وفاتش رحیم و شافع امتش می باشد، و اینکه هر کس به زیارت او رفته و او را شفیع خود قرار دهد برای او شفاعت خواهد نمود، همان گونه که ام المؤمنین چنین انجام داد، و این عمل از قبیل شرک یا از وسایل آن نیست آن گونه که افراد تکفیری و نسبت گمراهی دهنده به غلط می گویند؛ چرا که عایشه و کسانی که شاهد آن قصه بودند کسانی نبودند که جاهل به شرک بوده و یا از آن چیزی که به شرک منجر می شود بی اطلاع باشند. پس این قصه بینی آنها را به خاک مالیده و ثابت می کند که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در قبرش نیز به فکر امتش می باشد و این گونه نیست که وفات یافته و تمام شده است.

### 3. سلف و توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

ابن تیمیه در کتاب "التوسل و الوسيلة" می نویسد:  
 هذا الدعاء الذی فیہ توسل بالنبی(صلی الله علیه و آله و سلم) و نحوه قد روی أنّه دعا به السلف، و نُقل فی ذلک آثار عن السلف، و هو موجود فی دعاء کثیر من الناس. [5]  
 این دعا که در آن توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) است و نحو آن روایت شده که سلف به آنها دعا می نمودند، و در این باره از سلف آثاری نقل شده و در دعای بسیاری از مردم موجود است.

در اینجا ابن تیمیه تصریح به توسل سلف یعنی صحابه و تابعین و تابعین تابعین به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) کرده است.

### 4. تابعین و توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

واقدی نقل می کند:

...و ابتلی المسلمون عند فتح دیر ابی القدس حین قاتلوا الروم مع کثرتهم، فخرج کمین عظیم و غاب المسلمون فی اوساطهم و لم یبق من المسلمین أحد غیر جریح من المشرکین، فالتجأ عبدالله بن جعفر إلی ربّه و کان صاحب رایة و قال فی دعائه: یا من خلق خلقه و ابلی بعضهم بعض، و جعل ذلک محنة لهم، أسألك بجاه محمد النبی(صلی الله علیه و آله و سلم) إلاّ ما جعلت لنا من امرنا فرجاً و مخرجاً. [6]

...مسلمانان در جنگ با روم به هنگام فتح دیر ابی القدس به کمین بزرگی گرفتار شدند، به

طوری که مسلمانان از صحنه گریخته و جز تعدادی از مجروحان دشمن در صحنه نماند. در این هنگام عبدالله بن جعفر که صاحب پرچم بود به پروردگارش پناه برد و در دعایش گفت: ای کسی که مخلوقات را خلق کردی و برخی را به برخی مبتلا نمودی و آن را محنت برای آنان قرار دادی از تو می خواهم به جاه محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) که برای ما از امرمان فرج و مخرجی قرار دهی.

ذهبی در کتاب "سیر اعلام النبلاء" در شرح حال محمد بن منکدر این منقبت را ذکر کرده است: کان یضع خده علی قبر النبی(صلی الله علیه و آله و سلم) و قال: استعین بقبر النبی(صلی الله علیه و آله و سلم). [7]

او صورتش را بر روی قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می گذاشت و می گفت: به قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) استعانت می جویم.

صالح ابن ابی الأخضر می گوید:

سمعت الزهري يقول: اعتلت علة اشرفت منها على لقاء ربّي، فضاقت بذلك ذرعی، فلم اجد احداً أتوسل به بقلتی غیر علی بن الحسین(علیه السلام)، فأتیته فسألته الدعاء. فقال لی: ایما احبّ الیک؛ ادعو انا و تؤمنّ انت؟ فقلت: دعاؤک افضل و تُتبع دعاؤک تأمیناً منک و منی - فرجع یدیه و قال: اللّهم انّ ابن شهاب قد فزع إلی بالوسيلة إلیک بأبائی، فیما تعلم بالإخلاص من أبائی و امهاتی إلاّ جدت علینا بما قد أمل ببركة دعائی و اسکب له من الرزق و ارفع له من القدر و غیره مایصیره کهنفاً لما علّمته من العلم.

قال الزهري: فو الذی نفسی بیده ما اعتلتت، و لامرّ بی ضیق و لابیؤس مذ دعا بهذه الدعوات، و إنی لفی دعة من العیش إلی وقتی هذا، و ما أومله من مغفرة الله و رحمته اکثر من ذلك، بدعاء علی بن الحسین(علیه السلام). [8]

از زهري شنیدم که می گفت: مرضی بر من عارض شد و نزدیک به مرگ رسیدم و زندگی بر من تنگ آمد، و به جهت دست خالی بودنم کسی را نیافتم که به او توسل جویم جز علی بن الحسین(علیه السلام)، لذا نزد او آمدم و از او درخواست دعا کردم. حضرت به من فرمود: کدام یک برای تو بهتر است، من دعا کنم و تو آمین بگویی؟ من عرض کردم: دعای شما افضل است، چرا که دعای شما آمرزیده می شود در حالی که آمین آن از شما و من باشد. حضرت دستان خود را بالا برد و عرض کرد: بارخدايا! همانا ابن شهاب به سوی من استغاثه کرده و پدران مرا نزد تو وسیله آورده است، پس به حق اخلاصی که از پدران و مادران من می دانی بر ما جود فرما؛ زیرا من امید به برکت دعایم دارم. و از روزی بر او بریز و مقدرات و امور او را به حدی بالا ببر که حافظ او باشد به خاطر آنچه او را یادداری از علم.

زهري می گوید: سوگند به کسی که جانم به دست اوست بعد از آن، هرگز مریض نشدم، و بر من تنگدستی و گرفتاری عارض نشد از آن زمان که حضرت برایم این گونه دعا نمود. لذا تا این زمان در زندگی خوبی به سر می برم، و آنچه از رحمت و مغفرت خدا آرزو دارم از این بیشتر است، و اینها همه به دعای علی بن حسین(علیه السلام) می باشد.

ائمه مذاهب فقهی اهل سنت نیز در مقام عمل، اهل توسل بوده اند. در ذیل به نمونه هایی اشاره می شود:

### 5. توسل مالک بن انس

از مالک بن انس نقل شده که گفت:

انّه سأله الخليفة المنصور: إذا زرت النبی(صلی الله علیه و آله و سلم) فهل أتوجه إلیه ام إلی القبلة؟ فأجابہ الإمام مالک: و لِمَ تصرف وجهک عنه و هو وسیلتک و وسیلة ایبک آدم إلی الله تعالی؟ بل استقبله و استشفع به فیشفعه الله. [9]

خلیفه منصور از او سؤال کرد: هرگاه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت کردم آیا به او رو کنم یا به قبله؟ امام مالک گفت: چرا صورتت را از او برمی گردانی در حالی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم نزد خداوند متعال است؟ بلکه رو به او کن و به او طلب شفاعت نما که خداوند شفاعت او را خواهد پذیرفت.

ابن جماعه در کتاب "هدایة السالک الی المذاهب الاربعة فی المناسک" می نویسد:  
رواه الحافظان ابن بشکوال، ثم القاضی عیاض فی "الشفاء" ولا یلتفت الی قول من زعم انه موضوع، لهواه الذی اراده. [10]

این قصه را حافظ ابن بشکوال و سپس قاضی عیاض در "الشفاء" نقل کرده اند، لذا التفات به قول کسی که می گوید: این حدیث جعلی است نمی شود؛ چراکه طبق هوای نفسش چنین گفته است.

### 6. توسل محمد بن ادريس شافعی

بیهقی در کتاب "مناقب الشافعی" از محمد بن ادريس شافعی این اشعار را نقل کرده است:

آل النبی ذریعتی و هم إلیه وسیلتی

أرجو بهم أعطی غداً بیدی الیمین صحیفتی [11]

آل پیامبر(علیهم السلام) راه من هستند و آنان به سوی خداوند وسیله من می باشند. به آنان امید می بندم که در روز قیامت به دست راستم نامه اعمالم داده شود.

ربیع بن سلیمان از شافعی نقل کرده که گفت:

دخلت المدينة فی الیوم الثامن بعد صلاة العصر، فأتیت مسجد رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) و دنوت من القبر، فسلمت علی رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) و لذت بقبره... [12]

روز هشتم بعد از نماز عصر وارد مدینه شدم و به مسجد رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم و نزدیک قبر آمده و به حضرت سلام داده و بر قبرش پناه بردم...

### 7. توسل احمد بن حنبل

محمد ناصرالدین البانی در کتاب "التوسل، انواعه و احکامه" از احمد بن حنبل نقل کرده که چون سخن از حدیث ضریر به میان آورده قائل به جواز توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) شده است. [13]

ذهبی در کتاب "معجم شیوخ الذهبی" می گوید:

و قد سئل احمد بن حنبل عن مسّ القبر النبوی و تقبيله، فلم یر بذلك بأساً. رواه عنه عبدالله بن احمد. [14]

از احمد بن حنبل در مورد مسح کردن قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و بوسیدن آن سؤال شد؟ پس او باکی در آن ندید. و این مطلب را عبدالله بن احمد از او روایت کرده است. ابونعیم اصفهانی می گوید: این سند بر احمد بن حنبل قرائت شد:

علی بن موسی الرضا، عن أبیه موسی بن جعفر، عن أبیه الصادق جعفر بن محمد، عن أبیه أبی جعفر محمد بن علی، عن أبیه السجاد علی بن الحسین زین العابدین، عن أبیه الحسین بن علی، عن علی بن أبی طالب(علیهم السلام). قال لی احمد بن حنبل: ان قرأت هذا الاسناد علی مجنون برئ من جنونه. [15]

علی بن موسی الرضا، از پدرش موسی بن جعفر، از پدرش صادق جعفر بن محمد، از پدرش ابوجعفر محمد بن علی، از پدرش سجاد علی بن الحسین زین العابدین، از پدرش حسین بن علی، از علی بن ابی طالب(علیهم السلام). احمد بن حنبل به من گفت: اگر این سند را بر دیوانه ای بخوانی از جنونش بهبودی خواهد یافت.

و ابونعیم نیز می گوید:

و كان بعض سلفنا من المحدثين إذا روى هذا الاسناد قال: لو قرئ هذا الاسناد على مجنون لأفاق. [16]

برخی از سلف ما از محدثین چون این سند خوانده می شد می گفت: اگر این سند بر دیوانه خوانده می شد بهبودی پیدا می کرد.

محمد بن عبدالله بن طاهر ابوالعباس خزاعی می گوید:

كنت واقفاً على رأس أبي و عنده ابن محمد بن حنبل و اسحاق بن راهويه و ابوالصلت الهروي فقال أبي: ليحدثني كل رجل منكم بحديث، فقال ابوالصلت: حدثني علي بن موسى الرضا و كان و الله رضىً كما سمى... ثم ذكر السلسلة المتقدمة، فقال بعضهم: ما هذا الاسناد؟! فقال له أبي: هذا سعوط المجانيين، إذا سعط به المجنون برأ. [17]

من بالای سر پدرم ایستاده بودم و نزد او احمد بن محمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و اباصلت هروی بود. پدرم گفت: هر کدام از شما حدیثی نقل کند. اباصلت گفت: علی بن موسی الرضا مرا حدیث کرد، او که به خدا سوگند مورد رضای خداست آن گونه که نام نهاده شده است... آن گاه سلسله پیشین را ذکر کرد. سپس برخی گفتند: این سند چیست؟ پدرم به او گفت: این دواى دیوانه هاست که هرگاه به دیوانه داده شود بهبودی یابد.

عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی می گوید:

كنت مع أبي بالشام فرأيت رجلاً مصروعاً فذكرت هذا الإسناد، فقلت: أجرب بهذا، فقرأت عليه هذا الإسناد فقام الرجل فنفض ثيابه و مر. [18]

من با پدرم در شام بودیم که مردی را دیدم که مرض صرع داشت، این سند را بر او ذکر کردم، سپس گفتم: آن را به این مرد تجربه می کنم، پس آن سند را بر او قرائت کردم که آن مرد [خوب شد] و برخاست و لباسش را تکاند و رفت.

ابن تیمیه می گوید:

هذا الدعاء أى الدعاء بحديث الأعمى: اللهم انى أتوجه إليك بنبيك محمد... و نحوه دعا به السلف، و نقل عن أحمد بن حنبل فى منسك المروزي التوسل بالنبي(صلى الله عليه و آله و سلم) فى الدعاء. [19]

این دعا یعنی دعا به حدیث کور که عبارت است از این کلمات: اللهم انى اتوجه اليك بنبيك بمحمد... و نحو آن از جمله دعاهاى است که سلف به آن خدا را خوانده و از احمد بن حنبل در منسک مروزی نقل شده که در دعا به پیامبر(صلى الله عليه و آله و سلم) توسل جسته است. او نیز می گوید:

و ذكر الإمام احمد بن حنبل الدعاء عند القبر الشريف فقال: و سل الله حاجتك متوسلاً إليه بنبيه(صلى الله عليه و آله و سلم) تقض من الله عزوجل. [20]

امام احمد بن حنبل دعایى را کنار قبر شریف ذکر کرده و می گوید: از خدا حاجتت را بخواه در حالی که به پیامبرش برای رسیدن به او توسل جسته ای، که در این صورت از جانب خداوند عزوجل برآورده خواهد شد.

محمد ناصرالدین البانى در کتاب "التوسل، انواعه و احكامه" می نویسد:

ان من صحّ عنده انّ توسل الأعمى كان بذاته(صلى الله عليه و آله و سلم) فلا شىء عليه، و عليه ان يقف عنده ولا يزيد عليه، أى لا يزيد على التوسل بالنبي كما نقل عن العز بن عبد السلام و الإمام احمد. [21]

آنکه نزد او به طور صحیح ثابت شده که توسل شخص کور به ذات پیامبر(صلى الله عليه و آله و سلم) بوده بر او چیزی نیست. لذا او می تواند بر آن توقف کرده و چیزی بر آن نیفزاید، یعنی بر

توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی زیاد نکند، آن گونه که از عز بن عبدالسلام و امام احمد نقل شده است.

او نیز در شرحش بر کتاب "العقیده الطحاویة" می نویسد:  
...فأجاز الإمام احمد التوسل بالرسول(صلی الله علیه و آله و سلم) وحده، و اجاز غیره كالإمام الشوکانی التوسل به و بغیره من الأنبياء، و الصالحین.[22]  
...امام احمد تنها توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را اجازه کرده و غیر او همچون امام شوکانی توسل به آن حضرت(صلی الله علیه و آله و سلم) و به غیر او از انبیا و صالحان را نیز اجازه داده اند.

### 8. توسل ابوحنیفه

از ابوحنیفه نقل شده که در نصیحت خود به ابویوسف می گوید:  
و اکثر من زیارة القبور و المشایخ و المواضع المبارکة، و اقبل من العامة ما یقصون علیک من رؤیاهم للنبی(صلی الله علیه و آله و سلم) فی المساجد و المقابر.[23]  
زیاد به زیارت قبور و بزرگان و جاهای مبارک برو و از عموم مردم آنچه از خواب هایی که از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در مساجد و مقبره ها می بینند بپذیر.

### توسل اندیشمندان اهل سنت به اولیا

#### محدثان اهل سنت

بسیاری از محدثان اهل سنت اهل توسل به ارواح اولیا بوده اند:

1. حافظ ابوالشیخ اصفهانی  
او این گونه به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل کرده است: "و الشکوی إلی رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) من الجوع"[24]؛ "و شکایت نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از گرسنگی".
2. حافظ ابوالطیب مکی فاسی  
او با قولش "بمحمد سید المرسلین" به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[25]
3. حافظ ابوالمحاسن بن حمزه حسینی دمشقی  
او با جمله "بجاه المصطفی" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) متوسل شده است.[26]
4. حافظ ابوزرعه عراقی  
ابن جوزی نقل می کند: "أتی النبی امام قبره و قال: أنا جائع"[27]؛ "نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) کنار قبرش آمده و عرض کردم: من گرسنه ام".
5. حافظ ابن ابی الدنيا  
او با کلمه "بحق النبی" به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) متوسل شده است.[28]
6. حافظ ابن آبار  
او با این جمله به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است: "یا شافع البریة ان تشفع فیها لبارئ النسم"[29]؛ "ای شافع خلاق! شفاعت کن در روز قیامت برای خالق مردم".
7. حافظ ابن جوزی  
او با جمله "بحق محمد(صلی الله علیه و آله و سلم)" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[30]
8. حافظ ابن قیسرانی  
او می گوید: "توسلوا به إلی الله"[31]؛ "به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نزد خداوند توسل کنید".
9. حافظ ابن مقرئ اصفهانی

در کتاب "سیر اعلام النبلاء" قصه ای درباره توسل او به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و شکایت از گرسنگی نقل کرده است.[32]

10.حافظ ابن حبان

از او چنین نقل شده است:

كان إذا أهّمه امر قصد قبر الإمام علي بن موسى الرضا فينكشف همّه. قال: و هذا شيء جرّته مراراً.[33]

او چون امر مهمی برایش اتفاق می افتاد قصد قبر امام علی بن موسی الرضا [(علیه السلام)] می کرد و گرفتاریش برطرف می شد. و گفت: و این چیزی است که چندین بار آن را تجربه کرده ام.

11.حافظ ابن حجر عسقلانی

او سخنان بسیاری درباره توسل دارد که در کتاب "فتح الباری" و دیگر کتاب هایش آورده است.[34]

12.حافظ ابن عساکر

او در کتاب "تاریخ مدینة دمشق" درباره یکی از صالحان ذکر کرده: "انّ قبره یتبرک به"[35]; "همانا قبر او به آن تبرک می شود".

13.حافظ ابن کثیر

او با قولش: "بمحمّد و آله" به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته[36] و نیز احادیث توسل را نقل کرده و تصحیح نموده است.[37]

14.احمد بن حرب

ابن جوزی در کتاب "المنتظم" از مناقب احمد بن حرب چنین نقل کرده است: "استجابة الدعاء إذا توسل الداعی بقبره"[38]; "هرگاه دعاکننده به قبر او توسل جوید دعایش مستجاب می شود".

15.حافظ خطیب بغدادی

او با جمله "بحق محمّد" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[39]

16.حافظ سخاوی

او با جمله "و وسیلتنا و سندن" به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[40]

17.حافظ سیوطی

او با جمله "بمحمّد و آله" به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[41]

18.محدث عجلونی

او با جمله "و بخیر خلقک لم ازل متوسل"[42]; "و به بهترین خلق تو من همیشه توسل می جویم"، به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.

19.حافظ کلابادی

او با جمله "و بنیبه اتوسّل" به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[43]

20.حافظ کلاعی

او با نوشتن کتابی به نام "مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الأنام فی الیقظة و المنام" به استقبال از توسل و استغاثه به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) رفته است.[44]

21.محدث لکنوی ابوالحسنات

او با قول: "متوسلاً بنیبه" به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.[45]

22.حافظ محاملی



او نزد قبر معروف کرخی می آمد و به او توسل می جست. [46]  
23. حافظ منذری

او با نوشتن رساله ای به نام "زوال الظما فی ذکر من استغاث برسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) من الشدة و العمی" به استقبال توسل و استغاثه به ارواح اولیا رفته است. [47]  
24. حافظ هیثمی

او با کلمه "بمحمد و آله" به پیامبر و اهل بیتش (علیهم السلام) توسل جسته است. [48]  
25. محدث محمد عابد سندی

او با تألیف رساله ای درباره جواز توسل و استغاثه که در ردّ ابن تیمیه نوشته به استقبال آن رفته است. [49]  
26. حافظ عبدالحق اشبیلی

او در کتاب "العاقبة فی علم التذکیر" می نویسد: "و یسکن فی جوارهم قبور الصالحین تبرکاً و توسل" [50]; "و سکنی گزیند در جوار قبور صالحان به جهت تبرک و توسل".  
27. محدث احمد عبداللطیف زبیدی

او با جمله "بجاه سیدنا محمد و آله" به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [51]  
28. حافظ ابن ماکولا

او درباره قبر یکی از صالحان می گوید: "قبره یتبرک به، قد زرتّه" [52]; "به قبر او تبرک جسته می شود و من آن را زیارت کردم".  
29. حافظ خلال شیخ حنابله

خطیب بغدادی از احمد بن جعفر قطیعی نقل کرده که گفت:

سمعت الحسن بن ابراهیم أبا علی الخلال و هو شیخ الحنابلة فی وقته یقول: ما همّنی امر فقصدت قبر موسی بن جعفر یعنی کاظم (علیه السلام) فتوسلت به إلاّ سهل الله لی ما أحبّ. [53]

از حسن بن ابراهیم ابوعلی خلال شیخ حنابله در وقتش شنیدم که می گفت: هیچ مشکلی برایم پیدا نمی شد، جز آنکه قصد قبر موسی بن جعفر یعنی کاظم (علیه السلام) می کردم و به او توسل می جستم و خداوند نیز برایم آنچه را می خواستم تسهیل و آسان می نمود.

### فقهای اهل سنت

بسیاری از فقهای اهل سنت، اهل توسل به ارواح اولیا خصوصاً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده اند:  
1. ابوالاخلاص شرنبلالی

او با جمله: "جئنا کما نتوسل بکما إلی سیدنا رسول الله" [54]; "آمده ایم تا همان گونه که به شما دو نفر توسل می جویم به رسول خدا توسل جویم". عملاً توسل را اثبات نموده است.  
2. ابوالحسن مالکی

او با جمله "بمحمد و آله و صحبه" به پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) و اصحابش توسل جسته است. [55]  
3. ابوحامد غزالی شافعی

او با جمله:

و قصدنا نبيک مستشفعين به و حقه علیک. [56]

و قصد پیامبر تو کرده ایم در حالی که به او و حق او بر تو شفاعت می جویم، به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است.

4. ابو منصور کرمانی حنفی

- او درباره آداب زیارت می گوید:
- ان یخاطب الإنسان رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم) و يقول: ان فلاناً و فلاناً يستشفع بك يا رسول الله.[57]
- اینکه انسان رسول خدا(صلى الله عليه وآله وسلم) را مورد خطاب قرار داده و بگوید: فلان و فلان شخص تو را شفیع قرار داده اند ای رسول خدا(صلى الله عليه وآله وسلم).
- 5.ابن ابی الوفاء قرشی حنفی
- او با کلمه "بجاه رسول الله" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[58]
- 6.ابن الخطیب
- او می گوید:
- و من يتوسل إليه بمحمد نجاه و نفعه.[59]
- و هر کس که به محمد(صلى الله عليه وآله وسلم) نزد خدا توسل جوید، نجات یافته و بهره مند گشته است.
- 7.ابن زملکانی شافعی
- او که با ابن تیمیه مناظره کرده در عبارتی خطاب به پیامبر اسلام(صلى الله عليه وآله وسلم) می فرماید: "یا صاحب الجاه"[60]؛ "ای صاحب مقام".
- 8.ابن الملکن شافعی
- او با جمله "بمحمد و آله" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بیتش(علیهم السلام) توسل جسته است.[61]
- 9.ابن عابدین حنفی
- او با جمله "بجاه سید الأنبياء و المرسلین" به پیامبر اکرم(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[62]
- 10.ابن عاشر مالکی
- او با جمله "بجاه سید الأنام" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[63]
- 11.ابن عجیبه حسنی
- او با جمله "بجاه نبینا المصطفی" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[64]
- 12.ابن عطاء الله اسکندری
- او با جمله "بجاه محمد" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[65]
- 13.ابن عقیل حنبلی
- او هنگام زیارت قبر پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) می گفت: "یا محمد! انی أتوجه بك إلى ربی"[66]؛ "ای محمد! من به سوی تو رو می کنم برای رسیدن به پروردگارم".
- 14.ابن علان
- او با جمله "بجاه نبيك سيد المرسلین" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته است.[67]
- 15.ابن قاضی شهبه شافعی
- او در ترجمه احمد بن علی همدانی می گوید: "و الدعاء عند قبره مستجاب"[68]؛ "و دعا کنار قبرش مستجاب است".
- 16.ابن مفلح حنبلی
- او قصه عتبی در توسل به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) را ذکر کرده و به آن اقرار نموده است.[69]
- 17.ابن میاره مالکی
- او با جمله "نتوسل إليك بجاه أحب الخلق" به پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) توسل جسته

است.

18. محمد نووی

او با جمله "بجاه النبی المختار" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [70]

19. ابن قدامه حنبلی

او درباره کیفیت زیارت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید:  
تأتی القبر فتولّی ظهرک القبلة و تستقبل وسطه و تقول: ألسلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته، ألسلام علیک یا نبی الله و خیرته من خلقه...أللهم اجز عنا نبینا افضل ما جزیت به احداً من النبیین و المرسلین، و ابعثه المقام المحمود الذی وعدته، یغیظه به الأولون و الآخرون...أللهم قلت و قولک الحق: "و لو أنّهم إذ ظلّموا أنفُسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجّدوا الله تواباً رحیماً" و قد اتیتک یا رسول الله مستغفراً من ذنبی، مستشفعاً بک إلی ربّی... [71]

نزد قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می آیی و پشت خود را به قبله کرده و رو به وسط قبر می نمایی و می گویی: درود بر تو ای پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)! و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود بر تو ای پیامبر خدا و اختیارشده از مخلوقاتش...بار خدایا! از ناحیه ما پیامبرمان را بهترین جزایی ده که به یکی از پیامبران و رسولانت داده ای، و او را به مقام پسندیده ای که وعده اش داده ای برسان، مقامی که اولین و آخرین به آن غبطه می خورند...بار خدایا! فرمودی و فرموده تو حق است: "و اگر به طور حتم آنان که به خود ظلم کردند نزد تو آمده و از خداوند طلب مغفرت نمایند و پیامبر نیز بر آنان درخواست مغفرت کند خداوند را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت"، من به نزد تو آمدم ای رسول خدا در حالی که از گناهم استغفار می نمایم، و به سوی تو او را شفیع خود می نمایم...

20. رافعی قزوینی شافعی

او با جمله "متوسلاً بشفاعة من عنده یوم الجزاء" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [72]

21. زرقانی

او با جمله "بجاه افضل الأنام" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [73]

22. سمهودی شافعی

او بابی را تحت عنوان "التوسل و التشفع به(صلی الله علیه و آله و سلم) و بجاهه و ببرکته" در کتاب خود منعقد کرده است. [74]

23. سید بکری شافعی

او با جمله "بجاه سیدنا محمد" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [75]

24. شروانی شافعی

او با جمله "بجاه محمد سید الأنام" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [76]

25. شوکانی

او با جمله "بجاه المصطفی" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [77]

26. طحاوی حنفی

او با قول "بجاه سیدنا محمد" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [78]

27. غزی شافعی

او با کلام "بجاه سید المرسلین" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [79]

28. قسطلانی شافعی

وی با این کلام "و يسأل الله تعالى بجاهه" [80] توسل را تجویز نموده است.

29. کمال بن همام حنفی

او با کلام "بحضرة نبيك" به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [81]

30. محبّ الدین طبری

او با کلام "بمحمّد و آله و صحبه" به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیتش (علیهم

السلام) و اصحاب او توسل جسته است. [82]

31. یافعی

او با کلمه "و برسوله" به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [83]

32. تقی الدین ابوالفتح

او با جمله "و ارغب إليه بالنبي المصطفى" به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل

جسته است. [84]

33. تقی الدین حنفی شافعی

او کتابی به نام "دفع شبه من شبه و تمرّد" نوشته و در آن با ابن تیمیه در موضوع توسل و

زیارت قبور اولیا مناقشه کرده است.

34. تقی الدین سبکی شافعی

او در کتاب "شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام" در مسأله توسل و زیارت قبر پیامبر (صلی الله

علیه و آله و سلم) با ابن تیمیه مناقشه کرده است.

35. سعد الدین تفتازانی

او می گوید:

... و لهذا ينتفع بزيارة القبور و الإستعانة بنفوس الأخيار من الأموات. [85]

... و بدین جهت به زیارت قبور و استعانت از نفوس نیکان از اموات نفع برده می شود.

36. صدیق حسن خان

او با کلام "بجاه خیر البرية" به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [86]

37. عبدالقادر جیلانی حنبلی

او در کتاب "الغنية" چنین به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است:

يا رسول الله! إني أتوجه بك إلى ربّي ليغفر لي. [87]

ای فرستاده خدا! همانا من به وسیله تو رو به سوی پروردگارم می کنم تا مرا بیامرزد.

38. عماد الدین بن عطار، شاگرد نووی، شافعی

او می گوید: "و امرنا بسؤال الوسيلة و السؤال بجاهه" [88]; "و ما به درخواست وسیله و سؤال

به جاه او مأمور شده ایم".

39. محمد عمیم احسان مجددی برکتی

او با کلام "بحرمة سيدنا محمد" به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته

است. [89]

40. ملّاعلی قاری حنفی

او می گوید: "و كان يستشفع به (صلی الله علیه و آله و سلم) عند الجذب" [90]; "هنگام

قحطی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته و او شفیع قرار می گرفت".

41. فخر تبریزی

مناوی درباره او می گوید:

كان إذا اشكلت عليه المسائل ذهب إلى قبر شيخه التاج التبريزي و يفكر فيها فتنجلي

سريعاً. [91]

چون بر او مسایل دشوار می شد کنار قبر استادش تاج تبریزی می رفت و آنجا فکر می نمود و

سریعاً مطالب بر او کشف می شد.

42. ابراهیم لقانی

او که صاحب کتاب "جوهره التوحید" است می گوید: "لیس للشدائد مثل التوسل به (صلی الله علیه و آله و سلم)" [92]؛ "برای گرفتاری ها چیزی همچون توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست".

### مفسران اهل سنت

بسیاری از مفسران اهل سنت اهل توسل به ارواح اولیا خصوصاً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده اند، از قبیل:

1. ثعالبی

او در تفسیر خود این گونه توسل جسته است: "بجاه عين الرحمة" [93]؛ "به جاه چشمه رحمت". که مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

2. قرطبی

او در تفسیر خود با تعبیر "بحق محمد و آله" به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل کرده است. [94]

3. آلوسی

او با تعبیر "بحرمة سيد الثقلين" به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [95]

4. ابن کثیر دمشقی

او در ذیل آیه:

"وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا" (نساء: 64)

و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند [و فرمان های خدا را زیر پا می گذاردند]، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.  
می گوید:

و قوله تعالى: "وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ" الآية، يرشد الله تعالى العصاة و المذنبين إذا وقع منهم الخطأ و العصيان أن يأتوا إلى الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فيستغفروا الله عنده و يسألوه أن يغفر لهم؛ فانهم إذا فعلوا ذلك تاب الله عليهم و رحمهم و غفر لهم، و لهذا قال: "لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا". و قد ذكر جماعة منهم الشيخ ابومنصور الصباغ في كتابه الشامل الحكاية المشهورة عن العتبي قال: كنت جالسا عند قبر النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) فجاء اعرابي فقال: ألسلام عليك يا رسول الله، سمعت الله يقول: "وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ..."، و قد جئتك مستغفراً لذنبي، مستشفعاً بك إلى ربّي، ثم أنشأ يقول:

يا خير من دفنت بالقاع اعظمه فطاب من طيبهنّ القاع و الأكم

نفسى الفداء لقبر انت ساكنه فيه العفاف و فيه الجود و الكرم

ثم انصرف الأعرابي فغلبتني عيني فرأيت النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) فى النوم فقال: يا عتبي! الحق الأعرابي، فبشره انّ الله قد غفر له. [96]

قول خداوند: "و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند" در این آیه خداوند معصیت کاران و گناه کاران را ارشاد می کند که هرگاه از آنان خطا و معصیتی صادر شد نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و پیش او از خداوند استغفار نمایند و از او بخواهند که از گناهانشان درگذرد. و چون آنان چنین کنند خداوند توبه آنان را پذیرفته و آنان را می

آمرزد. لذا فرمود: "خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند". و جماعتی از آن جمله شیخ ابومنصور صباغ در کتاب "شامل" حکایت مشهوری را از عتبی نقل کرده که گفت: من کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودم که مردی اعرابی وارد شد و گفت: درود بر تو ای رسول خدا! از خدا شنیدم که می فرمود: "وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ..." و من نزد تو آمده ام و نسبت به گناهانم درخواست مغفرت می نمایم و شما را نزد خداوند شفیع قرار می دهم. آن گاه دو بیت شعر در مدح پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) انشاء نموده و گفت: (ای بهترین کسی که استخوان هایش در بقعه دفن شده و از بوی خوش او همه جا خوشبو شده است. جانم به فدای قبری که تو در آن ساکن هستی، قبری که در آن عفاف و جود و کرم است).

مرد اعرابی از آنجا بیرون آمد. آن گاه خواب بر من غلبه کرد و در عالم رؤیا پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم که فرمود: ای عتبی! اعرابی را دریاب و او را بشارت ده که خداوند گناهانش را آمرزیده است.

این قصه را نووی در کتاب "الایضاح" باب ششم، ص 498 و نیز شیخ ابومحمد بن قدامه در کتاب "المغنی"، ج 3، ص 556 و شیخ منصور بن یونس بهوتی در کتاب "کشف القناع" که از مشهورترین کتاب ها درباره مذهب حنبلی است در ج 5، ص 30 آورده است.

### لغویان و ادیبان اهل سنت

بسیاری از لغویان و ادیبان اهل سنت اهل توسل به ارواح اولیا خصوصاً پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) بوده اند، از قبیل:

1. ابن منظور

او در "لسان العرب" با تعبیر "بمحمد و آله" به آنها توسل کرده است. [97]

2. فیومی

او نیز در کتاب "المصباح المنیر" همانند ابن منظور به محمد و آلش توسل کرده است. [98]

3. ابوالفرج اصفهانی

او که صاحب کتاب "الآغانی" است با تعبیر "نسألک بحق الله و بحق رسوله" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [99]

4. ابن حجه حموی

او که صاحب کتاب "خزانة الأدب" است با جمله "بمحمد و آله" به آنان توسل جسته است. [100]

5. قلفشندی

او که صاحب کتاب "صبح الأعشی فی صناعة الانش" است نیز با همین تعبیر به آنان توسل جسته است. [101]

6. مقرئ تلمسانی

او که صاحب کتاب "نفح الطیب" است با جمله "بجاه نبین" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [102]

### مورخان اهل سنت

بسیاری از مورخان اهل سنت اهل توسل به ارواح اولیا خصوصاً پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) بوده اند، از قبیل:

1. ابن خلکان

او با جمله "بمحمد النبوی و صحبه و ذویه" به آنان توسل جسته است. [103]

2. ابن اثیر

او با جمله "بمحمد و آله" به آنان در کتاب "الکامل فی التاریخ" توسل جسته است. [104]

3. یاقوت حموی

او در کتاب "معجم البلدان" با کلمه "بحق محمد و آله" به آنان توسل جسته است. [105]

4. واقدی

او در کتاب "فتوح الشام" با جمله "فأدع الله و اتوسل الیه بمحمد" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [106]

5. حاجی خلیفه

او در کتاب "کشف الظنون" با جمله "بحرمة امین وحیه" به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است. [107]

6. مرادی

او در کتاب "سلک الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر" این گونه به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توسل جسته است:

فتوجه أَللّهم إلیک به(صلی الله علیه و آله و سلم)؛ إذ هو الوسيلة العظمی. [108]

بار خدایا! به وسیله پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به سوی تو رو می کنیم؛ زیرا که او وسیله بزرگی است.

7. ابشیهی

ابشیهی در کتاب "المستطرف فی کل فنّ مستطرف" می گوید:

و لما حججت و زرته تطلعت علی جنبه المعظم و امتدحته بأبیات مطولة و انشدتها بین یدیه بالحجرة الشریفة تجاه الصندوق الشریف، و أنا مکشوف الرأس و ابکی، من جملتها:

یا سید السادات جنتک قاصداً أرجو رضاک و احتمی بحماکا

والله یا خیر الخلائق انّ لی قلباً مشوقاً لا یروم سواکا

ویحق جاهک انّنی بک معزم و الله یعلم انّنی اهاوکا

أنت الذی لولاک ما خُلِقَ امرؤ کلاً ولا خُلِقَ الوری لولاکا

أنت الذی من نورک البدر اکتسی و الشمس مشرقة بنور سواکا

أنت الذی لما رُفِعَتْ إلی السما بک قد سمت و تزینت لسراکا

أنت الذی ناداک ربّک مرحباً و لقد دعاک لقربه و حباکا

أنت الذی فینا سألتَ شفاعة ناداک ربّک لم تکن لسواکا

أنت الذی لما توسل آدم من ذنبه بک فاز و هو أباکا

ویک الخلیل دعا فعاتت ناره برداً و قد خدمت بنور سناکا

ودعاک ایوب لضرّ مسه فأزیل عنه الضرّ حین دعاکا

ویک المسیح أتى بشیراً مخبراً بصفات حسنک مادحاً لعلاکا

وکذاک موسی لم یزل متوسلاً بک فی القيامة مرتج لنداکا [109]

چون حج به جای آوردم به زیارت رسول معظم(صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم و او را با ابیات طولانی مدح نمودم و آنها را در محضرش، مقابل حجره شریف او و در برابر صندوق شریف در حالی که سر برهنه بودم و می گریستم، قرائت کردم که از جمله آنهاست:

ای سرور بزرگ مردان به نزد تو آمده و تو را قصد نموده ام، و امید خشنودی تو را دارم و در پناه تو می باشم.

به خدا سوگند! ای بهترین خلائق! برای من قلبی است دارای شوق به تو که به غیر شما کسی را قصد نمی کند.

و به حق جاه تو همانا که من عاشق توأم و خداوند می داند که من هوای تو را در دل دارم.

تو کسی هستی که اگر نبودی هرگز کسی خلق نشده بود و اگر تو نبودی عالم آفریده نمی

شد.

تو کسی هستی که ماه از نور تو بهره گرفته و آیا خورشید به جز از پرتو نور تو روشن است؟ تو کسی هستی که چون به آسمان رفتی به تو آسمان بلند شد و به عظمت تو زینت یافت. تو کسی هستی که پروردگارت به تو خوش آمد گفت و تو را مورد خطاب قرار داد، و برای غیر از تو چنین نبوده است.

تو کسی هستی که چون آدم به جهت گنااهش به تو توسل جست، نجات یافت، همان که پدر تو بود.

و ابراهیم خلیل به تو دعا نمود و آتشش سرد شد و به نور عظمت تو بود که [آتشش] خاموش گشت.

و ایوب به جهت مصیبتی که او را رسیده بود تو را خواند و آن مصیبت از او زایل شد هنگامی که تو را خواند.

و مسیح به تو بشارت و خبر داد، به صفات حسن تو در حالی که مقام عالی تو را مدح کننده بود.

و همچنین موسی همیشه متوسل به تو است در قیامت و امید پاسخ تو را دارد.

#### پی نوشت ها

- [1]. فتوح الشام، واقدی، ج 1، ص 136.
- [2]. سنن الدارمی، ج 1، صص 43 و 44.
- [3]. رفع المنارة، ص 203.
- [4]. هداية المتخبطین، سید علی بن محمد بن یحیی، ص 55.
- [5]. التوسل و الوسيلة، ص 98.
- [6]. فتوح الشام، واقدی، ج 1، ص 74.
- [7]. سیر اعلام النبلاء، ترجمه محمد بن منکدر.
- [8]. المستغیثین بالله، ابن بشکوال، ص 43.
- [9]. الشفا، قاضی عیاض، ج 2، صص 40 و 41.
- [10]. هداية السالك، ج 3، ص 1381.
- [11]. مناقب الشافعی، بیهقی، ج 1، صص 68 و 69.
- [12]. السفر، ص 25.
- [13]. التوسل (انواعه و احکامه)، ص 76.
- [14]. معجم شیوخ الذهبی، ص 55.
- [15]. تاریخ اصبهان، ابونعیم اصبهانی، ج 1، ص 138.
- [16]. حلیة الاولیاء، ج 3، ص 191.
- [17]. طبقات الشافعیة، سبکی، ج 1، صص 119 و 120؛ تاریخ بغداد، ج 5، ص 418.
- [18]. التدوین فی اخبار قزوین، ج 3، ص 482.
- [19]. التوسل و الوسيلة، ص 65.
- [20]. الرد علی الأحنائی، ابن تیمیه، ص 168.
- [21]. التوسل، انواعه و احکامه، ص 74.
- [22]. شرح العقيدة الطحاوية، البانی، ص 64.
- [23]. التامل فیحقیقة التوسل، ص 499 به نقل از کتاب "الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة".
- [24]. سیر اعلام النبلاء، ج 16، ص 400.
- [25]. ذیل التقیید، ج 1، ص 69.



- [26] . ذیل تذکرة الحفاظ، ج 1، ص 315.
- [27] . المنتظم، ابن جوزی، ج 9، صص 74 و 75.
- [28] . قرى الضیف، ج 5، ص 225.
- [29] . الحلة السیراء، ج 2، ص 284.
- [30] . زاد المسیر، ج 4، ص 253.
- [31] . تذکرة الحفاظ، ج 4، ص 1371.
- [32] . سیر اعلام النبلاء، ج 16، ص 400.
- [33] . الثقات، ابن حبان، ج 8، صص 456 و 457.
- [34] . فتح الباری، ج 2، ص 47.
- [35] . تاریخ مدینة دمشق، ج 6، ص 443.
- [36] . البداية و النهاية، ابن کثیر، ج 13، ص 192.
- [37] . همان، ج 7، ص 90.
- [38] . المنتظم، ج 11، ص 211.
- [39] . الجامع لأخلاق الراوی و السامع، ج 2، ص 261.
- [40] . فتح المغیث فی شرح الفیة الحدیث، ج 4، ص 410.
- [41] . الاتقان، ج 2، ص 502.
- [42] . كشف الخفاء، ج 2، ص 55.
- [43] . التعرف لمذهب اهل التصوف، ج 1، ص 21.
- [44] . كشف الظنون، ج 2، ص 1706 (به نقل از او).
- [45] . الرفع و التکمیل فی الجرح و التعديل، ص 27.
- [46] . تاریخ بغداد، ج 1، ص 123.
- [47] . هدية العارفين، ج 5، ص 586.
- [48] . مجمع الزوائد، ج 9، ص 420.
- [49] . حصر الشارد فی اسانید محمد عابد، مقدمه کتاب، ج 1، ص 59.
- [50] . فیض القدير، مناوی، ج 1، ص 230.
- [51] . التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح، ص 9.
- [52] . الإكمال، ج 1، ص 267.
- [53] . تاریخ بغداد، ج 1، ص 120.
- [54] . نور الايضاح، ج 1، ص 156.
- [55] . كفاية الطالب، ج 2، ص 678.
- [56] . احیاء علوم الدين، ج 1، ص 260.
- [57] . المكتوبات، ص 3.
- [58] . طبقات الحنیفة، ج 1، ص 353.
- [59] . وسيلة الاسلام، ج 1، ص 31.
- [60] . شواهد الحق، ص 383.
- [61] . خلاصة البدر المنير، ج 1، ص 5.
- [62] . حاشیه ابن عابدين، ج 8، ص 511.
- [63] . المرشد المعین علی الضروری من علوم الدين، ج 2، ص 300.
- [64] . ایفاظ الهمم فی شرح الحكم، ص 4.
- [65] . لطائف المنن، ص 1211.

- [66] . التذكرة، ص 87.
- [67] . شرح الأذكار المسمى بالفتوحات الربانية، ج 2، ص 29.
- [68] . طبقات الشافعية، ج 2، ص 155.
- [69] . المبدع، ج 3، ص 259.
- [70] . نهاية الزين، ج 1، ص 77.
- [71] . المغنى، ابن قدامة، ج 3، ص 298.
- [72] . التدوين فى اخبار قروين، ج 2، ص 76.
- [73] . شرح الزرقانى، ج 2، ص 297.
- [74] . خلاصة الوفاء، ج 2، ص 419.
- [75] . اغائة الطالبين، ج 4، ص 344.
- [76] . حواشى الشروانى، ج 6، ص 381.
- [77] . البدر الطالع، ج 1، ص 422.
- [78] . حاشية الطحاوى على مراقى الفلاح، ج 1، ص 357.
- [79] . فتح القريب المجيب فى شرح الفاظ التقريب، ص 71.
- [80] . المواهب اللدنية، ج 8، ص 308.
- [81] . شرح فتح القدير، ج 3، ص 181.
- [82] . ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، ج 1، ص 261.
- [83] . مرآة الجنان، ج 4، ص 362.
- [84] . طبقات الشافعية الكبرى، ج 9، ص 181.
- [85] . شرح المقاصد، ج 2، ص 33.
- [86] . ابجد العلوم، ج 3، ص 280.
- [87] . شواهد الحق، نبهانى، ص 98 (به نقل از او).
- [88] . مواهب الجليل، ج 2، صص 544 و 545.
- [89] . قواعد الفقه، ج 1، ص 256.
- [90] . مرقاة المفاتيح، ج 3، ص 1676.
- [91] . فيض القدير، مناوى، ج 5، ص 487.
- [92] . خلاصة الأثر، محبى، ج 1، ص 8 (به نقل از او).
- [93] . تفسير ثعالبى، ج 4، ص 458.
- [94] . تفسير قرطبى، ج 8، ص 240.
- [95] . روح المعانى، ج 1، ص 82.
- [96] . تفسير ابن كثير، ج 1، ص 492.
- [97] . لسان العرب، ج 11، ص 78.
- [98] . مصباح المنير، ص 712.
- [99] . الاغانى، ج 10، ص 375.
- [100] . خزانة الأدب، ج 1، ص 270.
- [101] . صبح الأعشى، ج 11، ص 302.
- [102] . نفح الطيب، ج 1، ص 32.
- [103] . وفيات الاعيان، ج 6، ص 132.
- [104] . الكامل، ج 1، ص 433.
- [105] . معجم البلدان، ج 5، ص 87.

- [106] . فتوح الشام، ج 2، ص 91.  
 [107] . كشف الظنون، ج 2، ص 2056.  
 [108] . سلک الدرر، ج 1، ص 2.  
 [109] . المستطرف فی کل فن مستطرف، ج 1، صص 491 - 493.

:

.9.	.8.	.7.	.6.	.5.	.4.	.3.	.2.1984	.1. *
.17.	( )	.16..1404	.15.	.14.		.13.	.12.	.11. .10.1992
.24.		.23..1404	.22..1416	.21.		.20.	.19..1405	.18.
	.31.	.30.	.29..1417	.28.	.27.		.26..1413	.25.
	.38..1356	.37.	.36..1416	.35.	.34.	.33.	.32..1416	
	.45.	.44.	.43..1419	.42..1418	.41.	.40.	.39..1357	
.52..1405	.51.	.50..1306	.49.	.48..1420		.47..	.46..1408	
1390	..1419	.54.	.53.					